

مطالعه تأثیر میراث روایی اسلام بر گرایش جوانان به نماز

وابستگی سازمانی

طلبه حوزه علمیه، فاطمیه (س) مشگین شهر، اردبیل، ایران

نویسندگان

زهرای صلاحی *

چکیده

نماز در فرهنگ اسلامی، ارتباط آگاهانه و عاشقانه انسان با خداوند و مهم‌ترین جلوه بندگی است و عبادتی بنیادین که روح انسان را به یاد خدا زنده می‌کند، دل را آرام می‌سازد و مسیر رشد معنوی و اخلاقی انسان را هموار می‌سازد. این پژوهش با هدف بررسی اهمیت نماز از منظر روایات و شناسایی شیوه‌های مؤثر دعوت جوانان به نماز انجام شده است. روش تحقیق در این مقاله، توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعه منابع دینی، روایات معصومان علیهم‌السلام و آثار تربیتی مرتبط با نماز است. یافته‌ها نشان می‌دهد که نماز در روایات، ستون دین، عامل قرب الهی، بازدارنده از گناه و زمینه‌ساز آرامش روحی معرفی شده است. همچنین دعوت جوانان به نماز زمانی اثرگذار است که همراه با محبت، آگاهی‌بخشی، الگوسازی عملی، پرهیز از اجبار و توجه به نیازهای فکری و عاطفی آنان باشد. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که ترویج نماز در میان جوانان نیازمند رویکردی تربیتی، جذاب و متناسب با شرایط روز است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله

پژوهشی

صفحه

دوره ۱، شماره ۱

۶۰ - ۵۰

اطلاعات نویسنده مسئول

نویسنده مسئول

زهرای صلاحی

کد ارکید

۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن

۰۹۳۸۲۷۱۸۳۳۱

ایمیل

z8938914@gmail.com

سابقه مقاله

تاریخ دریافت

۱۴۰۵/۰۴/۰۷

تاریخ ویرایش

۱۴۰۵/۰۴/۰۸

تاریخ پذیرش

۱۴۰۵/۰۴/۱۰

تاریخ انتشار

۱۴۰۵/۰۴/۱۷

روش پژوهش

توصیفی تحلیلی

نماز، روایات اسلامی، جوانان، عبادت

واژگان کلیدی

توضیحات

کلیه حقوق این مقاله متعلق به نویسندگان می‌باشد.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد و تغییر جزئی را با ذکر منبع آن دارند.

نحوه استناد
صلاحی، زهرای (۱۴۰۵)، «مطالعه تأثیر میراث روایی اسلام بر گرایش جوانان به نماز»، فصلنامه علمی فقه و حقوق

دهی
در آموزش و پرورش، دوره ۱، شماره ۱، (بهار ۱۴۰۵)، صفحات ۵۰ - ۶۰

Studying the Impact of Islamic Narrative Heritage on Youth's Tendency to Pray

Authors		Organizational Affiliation
Zahra Salahi*		Islamic Seminary Student, Fatimiyyah (Peace be upon her), Meshginshahr, Ardabil, Iran
Article Information		Abstract
Article Type	Research	Prayer in Islamic culture is a conscious and loving connection between man and God and the most important manifestation of servitude. It is a fundamental act of worship that revives the human soul in remembrance of God, calms the heart, and paves the way for human spiritual and moral growth. This research aims to examine the importance of prayer from the perspective of narrations and identify effective methods of calling young people to prayer. The research method in this article is descriptive-analytical and based on the study of religious sources, narrations of the infallibles (peace be upon them) and educational works related to prayer. The findings show that prayer is introduced in narrations as a pillar of religion, a factor of divine closeness, a deterrent from sin, and a ground for spiritual peace. Also, calling young people to prayer is effective when it is accompanied by love, awareness, practical role modeling, avoidance of coercion, and attention to their intellectual and emotional needs. The results of the research show that promoting prayer among young people requires an educational approach that is attractive and appropriate to the conditions of the day.
Pages	50 - 60	
Volume 1, Issue 1		
Corresponding Author's Info		
Corresponding Author's	Zahra Salahi	
ORCID	0000-0000-0000-0000	
Tell	09382718331	
Email	z8938914@gmail.com	
Article History		
Received	2026/06/28	
Revised	2026/06/29	
Accepted	2026/07/01	
Published Online	2026/07/12	
Research Method	Descriptive Analytical	

Keywords

Prayer, Islamic Traditions, Youth, Worship

Description

All rights to this article belong to the authors.

Readers of this magazine are permitted to distribute, recombine, and modify the material with due acknowledgement of the source.

How to Cite This Article Salahi, Zahra (2026), "Studying the Impact of Islamic Narrative Heritage on Youth's Tendency to Pray" Quarterly Journal of Jurisprudence and Law in Education, Volume 1, Issue 1, (Spring 2026), pp. 50-60



۱: مقدمه

نماز در منظومه فکری اسلام، فراتر از یک تکلیف عبادی ساده، به عنوان ستون استوار دین و پیوند مستمر میان خالق و مخلوق شناخته می‌شود که تمام ساحت‌های زندگی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از منظر کلان، عبادت و نیایش پاسخی به یک نیاز فطری در وجود بشر است که در دین مبین اسلام، در قالب «نماز» به کامل‌ترین شکل خود تجلی یافته است. روایات متعددی از معصومین (ع) نماز را مرز میان ایمان و کفر، وسیله تقرب هر پرهیزکار و معراج مؤمن توصیف کرده‌اند که می‌تواند زنگارهای غفلت را از روح و جان بزداید. در سطح کلان، جامعه‌ای که بر مدار نماز حرکت می‌کند، از امنیت اخلاقی و روانی بالاتری برخوردار است، زیرا این فریضه الهی به عنوان یک سازوکار کنترلی درونی، فرد را از زشتی‌ها و منکرات بازمی‌دارد. بنابراین، درک چیستی و چرایی نماز از منظر متون اصیل دینی، نخستین گام برای تبیین سبک زندگی توحیدی و دستیابی به کمال انسانی است که در آن، تمامی فعالیت‌های دنیوی بر محوریت یاد خدا سامان می‌یابد. مسئله نماز ابعاد تربیتی و روان‌شناختی پیچیده‌ای به خود می‌گیرد. دوره جوانی، فصل شکل‌گیری هویت، استقلال‌طلبی و مواجهه با شبهات فکری است که اگر با هدایت صحیح دینی همراه نشود، ممکن است به گسست از ارزش‌های مذهبی بینجامد. امروزه با گسترش فضای مجازی و هجوم‌های فرهنگی، شیوه‌های سنتی دعوت به نماز به تنهایی پاسخگوی نیازهای اقلان جوانان نیست. از این رو، شناسایی شیوه‌های نوین و جذاب برای دعوت این قشر به نماز، بر اساس آموزه‌های روایی، ضرورتی انکارناپذیر است. در واقع، چالش اصلی اینجاست که چگونه می‌توان مفاهیم عمیق و قدسی نماز را به زبانی متناسب با ذائقه نسل امروز ترجمه کرد تا جوان نه از روی اجبار و عادت، بلکه از روی معرفت و شوق به سوی سجاده بندگی گام بردارد. این پژوهش در پی آن است که با واکاوی روایات، راهکارهای عملی و اثربخشی را برای پیوند دوباره جوانان با این فریضه الهی استخراج و تبیین نماید. پرداختن به موضوع نماز و چگونگی ترویج آن در میان جوانان از آن جهت ضرورت دارد که سلامت معنوی جامعه در گرو ایمان نسل آینده‌ساز است. با توجه به تغییرات سریع اجتماعی و فرهنگی، اگر روش‌های دعوت به نماز به‌روزرسانی نشوند، فاصله میان جوانان و شعائر دینی عمیق‌تر خواهد شد. تبیین جایگاه نماز از منظر روایات، به جوانان کمک می‌کند تا به فلسفه این عمل آگاه شوند و تجهیز مریبان و خانواده‌ها به شیوه‌های صحیح دعوت، از دلدگی مذهبی جلوگیری کرده و زمینه‌ساز ارتقای سلامت روان و کاهش آسیب‌های اجتماعی در سطح کشور می‌گردد. پژوهش حاضر با رویکردی تلفیقی، همزمان به استخراج بطن روایات برای اقناع اندیشه و ارائه شیوه‌های عملیاتی و روان‌شناختی برای دعوت پرداخته است تا خلأ میان مبانی نظری و شیوه‌های اجرایی را در مواجهه با نسل جدید پوشش دهد. از این رو، پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به این سوال اصلی است که: اهمیت نماز از منظر روایات و شیوه‌های دعوت جوانان به نماز چیست؟

۱: مفهوم و حقیقت نماز

واژه «نماز» در زبان فارسی معادل «صلاة» در زبان عربی است که در لغت به معنای دعا، نیایش، درود و تعظیم به کار رفته است؛ اما در اصطلاح شرعی و فقهی، نماز به مجموعه اعمال مخصوصی اطلاق می‌شود که با تکبیر آغاز شده و با سلام پایان می‌یابد. این عبادت شامل اذکار، قرائت، رکوع و سجود است که با نیتی خالصانه برای پروردگار انجام می‌شود. در حقیقت، نماز قالبی مشخص برای ابراز بندگی است که تمامی اجزای آن از سوی شارع مقدس تنظیم شده تا انسان را در یک چارچوب منظم به سوی کمال هدایت کند. این واژه در متون دینی به معنای توجه بنده به حق تعالی و انعطاف روح به سوی مبدأ هستی است که از طریق حرکات بدنی و ذکرهای زبانی متجلی می‌گردد. بنابراین، حقیقت اصطلاحی آن، عبادتی است جامع که تمام قوای ظاهری و باطنی انسان را در مسیر تسلیم محض در برابر اراده الهی قرار می‌دهد. (دهخدا، ۱۴۰۰: ۳۳۹) نماز برترین جلوه گفت‌وگوی بی‌واسطه میان بنده و پروردگار و معراجی است که روح انسان را از تنگنای مادیات به بیکرانگی معنا پیوند می‌زند. این پیوند قلبی و زبانی، موجب آرامش عمیق درونی می‌شود؛ چرا که انسان در هنگام ایستادن در برابر خالق، خود را در پناه قدرتی بی‌پایان می‌بیند که مایه اطمینان قلب است. تکرار این ارتباط در ساعات مختلف شبانه‌روز، مانع از فرو رفتن در منجلاب غفلت شده و ایمان فرد را در برابر طوفان‌های شک و تردید مصون می‌دارد. در واقع، نماز نوعی بازگشت به خویشتن واقعی و صیقل دادن روح از زنگارهای گناه است. هنگامی که



بنده در سجده، نهایت فروتنی خود را ابراز می‌کند، به حقیقت بندگی نزدیک‌تر شده و نور الهی در جان او رخنه می‌کند که این امر، قوی‌ترین عامل برای تقویت اراده و پایداری در مسیر فضیلت‌های اخلاقی و انسانی است. (طباطبایی، ۱۴۰۰: ۶۸) در منظومه عبادی اسلام، نماز به عنوان «عمود دین» و شاخص‌ترین نماد هویت اسلامی شناخته می‌شود که پذیرش سایر اعمال نیکو، منوط به قبولی آن است. جایگاه نماز در میان سایر فرایض مانند روزه، حج و زکات، همچون سر نسبت به بدن است که بدون آن، پیکره دینداری دوامی نخواهد داشت. این فریضه تنها یک تکلیف فردی نیست، بلکه ستون استوار زندگی معنوی جامعه است که پیوند میان خالق و خلق را مستحکم می‌کند. هیچ عبادت دیگری در اسلام به اندازه نماز مورد تأکید قرار نگرفته است، زیرا نماز جامع تمام کمالات عبادی بوده و در هر شرایطی، حتی در سخت‌ترین لحظات زندگی، ساقط نمی‌شود. این جایگاه ویژه نشان‌دهنده آن است که نماز، روح تمامی فعالیت‌های مؤمنانه است و بدون تقید به آن، سلوک الی‌الله و دستیابی به حیات طیبه امکان‌پذیر نخواهد بود. (جوادی آملی، ۱۴۰۰: ۲۷)

۲: اهمیت نماز از منظر روایات

در روایات معصومین (ع)، نماز به عنوان «ستون دین» و محبوب‌ترین اعمال نزد خداوند معرفی شده است که موجب تقرب پرهیزکاران و معراج مؤمنان می‌شود. این فریضه، زنگار گناهان را از قلب زدوده و معیار قبولی تمام اعمال انسان در روز قیامت است. در زیر به برخی از این موارد پرداخته شده است:

۱-۲: نماز، ستون دین

نماز در منظومه معارف اسلامی، نه فقط یک تکلیف عبادی، بلکه بنیاد استواری است که قوام و پایداری حیات دینی انسان بر آن تکیه دارد. روایت مشهور نبوی «الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ» به روشنی بیان می‌کند که نسبت نماز با دین، همانند نسبت ستون با خیمه یا بنای ساختمان است؛ یعنی اگر ستون برپا باشد، اجزای دیگر پابرجا می‌ماند و اگر فرو ریزد، مجموعه نیز از هم می‌پاشد. این تعبیر، نشان‌دهنده آن است که نماز نقش حفظ‌کننده و انسجام‌بخش در نظام اعتقادی و عملی مسلمان دارد. انسان دیندار از طریق نماز، پیوند روزانه خود را با مبدأ هستی تجدید می‌کند و همین تکرار منظم، روح ایمان را در جان او زنده نگه می‌دارد. در حقیقت، نماز ستون دین است زیرا سایر ارزش‌های ایمانی، اخلاقی و رفتاری در سایه آن معنا و دوام پیدا می‌کنند. هر اندازه این ستون محکم‌تر باشد، بنای شخصیت دینی فرد نیز استوارتر خواهد شد و زمینه رشد در سایر عرصه‌های بندگی فراهم می‌آید. (کلینی، ۱۴۰۰: ۲۰۹) تحلیل این روایت نشان می‌دهد که نماز، عنصر نگه‌دارنده دین‌داری در زندگی فردی و اجتماعی است. همان‌گونه که ستون، بار سقف و دیوارها را تحمل می‌کند و مانع فروپاشی بنا می‌شود، نماز نیز تکیه‌گاه اصلی فضایل و اعمال صالح انسان است. اگر ارتباط بنده با خدا در قالب نماز ضعیف شود، سایر ابعاد دینداری نیز به تدریج دچار سستی خواهد شد؛ زیرا روح اخلاص، تقوا، یاد خدا و مراقبت در رفتار، همگی از چشمه نماز سیراب می‌شوند. نماز با ایجاد نظم عبادی در شبانه‌روز، انسان را از غفلت باز می‌دارد و به او یادآوری می‌کند که زندگی او بر محور عبودیت معنا می‌یابد. از این رو، استواری دین تنها با ادعا یا گرایش قلبی تحقق پیدا نمی‌کند، بلکه نیازمند ستونی است که این بنا را در عرصه عمل پابرجا نگاه دارد. نماز چنین نقشی را ایفا می‌کند و به همین دلیل، ترک یا سستی در آن، به منزله ایجاد شکاف در اساس حیات معنوی انسان است. «الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ، اِنْ قَبِلَتْ قَبِلَ مَا سِوَاهَا وَ اِنْ رَدَّتْ رَدَّتْ مَا سِوَاهَا». (حر عاملی، ۱۴۰۰: ۳۴۲) از منظر تربیتی و اعتقادی، تعبیر «ستون دین» برای نماز، حامل این معنا نیز هست که حفظ هویت اسلامی بدون اهتمام جدی به نماز امکان‌پذیر نیست. نماز تنها یک عبادت فردی نیست، بلکه نشانه آشکار بندگی، مرزبندی هویتی مؤمن، و رمز بقای ایمان در متن زندگی روزمره است. وقتی انسان در فرازهای مختلف زندگی، از آسایش تا سختی، نماز را پاس می‌دارد، در واقع ستون دین را در درون خویش برپا نگه می‌دارد و اجازه نمی‌دهد طوفان‌های شهوت، غفلت، اضطراب و تردید بنای ایمان او را متزلزل سازد. بر همین اساس، نماز معیار سنجش میزان التزام عملی انسان به دین نیز به شمار می‌آید؛ زیرا کسی که به ستون اصلی پایبند است، نسبت به سایر اجزای این بنا نیز اهتمام بیشتری خواهد داشت. از



این زاویه، روایت نبوی مزبور فقط بیان فضیلت نماز نیست، بلکه ترسیم‌کننده جایگاه محوری آن در هندسه دین‌داری است؛ جایگاهی که بدون آن، ایمان از استحکام، استمرار و آثار عملی لازم برخوردار نخواهد بود. «الصَّلَاةُ عَمُودُ دِينِنَا». (نوری، ۱۴۰۰: ۳۴)

۲-۲: نماز، نخستین عمل مورد سؤال

بر اساس آموزه‌های وحیانی و روایات قطعی صادر شده از معصومین (ع)، نماز در نظام حسابرسی اخروی جایگاهی بنیادین و سرنوشت‌ساز دارد، به طوری که اولین پرسش در پیشگاه عدل الهی به این فریضه اختصاص یافته است. این حقیقت که در قیامت، پیش از هر عمل دیگری از نماز سؤال می‌شود، نشان‌دهنده آن است که نماز به عنوان شناسنامه بندگی و کلید ورود به ساحت رحمت الهی شناخته می‌شود. اگر این ارتباط بنیادین میان خالق و مخلوق به درستی برقرار شده باشد، راه برای بررسی سایر اعمال نیک هموار می‌گردد، اما اگر این پیوند گسسته یا مخدوش باشد، سایر حسنات فرد نیز تحت الشعاع قرار گرفته و چه بسا بی‌اثر شوند. در واقع، نماز معیار پذیرش و سنجش اعتبار تمامی فعالیت‌های دنیوی انسان است و به همین جهت، پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) همواره بر اولویت آن تأکید ورزیده‌اند. این تقدم در بازخواست، هشدار است به مؤمنان تا در متن زندگی پرهیاهو، هرگز از این رکن رकिन غافل نشوند و بدانند که ترازوی اعمالشان در گرو کیفیت اقامه این فریضه است. «إِنَّ أَوَّلَ مَا يَحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ فَإِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ مَا سِوَاهَا وَإِنْ رُدَّتْ رُدَّ مَا سِوَاهَا». (کلینی، ۱۴۰۰: ۲۶۸) تحلیل دقیق این روایت حکایت از آن دارد که نماز تنها یک عمل در کنار سایر اعمال نیست، بلکه شاخص اصلی پایبندی فرد به توحید و میزان اخلاص او در برابر پروردگار به شمار می‌رود. سؤال از نماز در ابتدای حسابرسی، بدین معناست که نماز ریشه و بن‌مایه درخت دین‌داری است و اگر ریشه آسیب دیده باشد، شاخ و برگ‌ها که همان سایر عبادات و اخلاقیات هستند، دوام و اعتباری نخواهند داشت. این تقدم رتبه‌ای، بیانگر آن است که نماز قدرت تطهیرکنندگی دارد و می‌تواند نقایص دیگر را جبران کند، اما هیچ عمل دیگری نمی‌تواند جایگزین خلأ ناشی از ترک نماز شود. از منظر کلامی، نماز عهدی است میان خدا و بنده که وفای به آن، نشانه صداقت در ادعای ایمان است؛ لذا در دادگاه الهی، ابتدا از این عهد میثاق پرسیده می‌شود تا عیار واقعی بندگی مشخص گردد. این نگاه تحلیلی به ما می‌آموزد که برای رستگاری جاوید، باید نماز را در رأس اولویت‌های زندگی قرار داد و از آن به عنوان سنگ بنای سعادت ابدی مراقبت کرد، چرا که بدون قبولی آن، ترازوی اعمال سبک و بی‌مقدار خواهد بود. «أَوَّلُ مَا يَحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ فَإِذَا صَحَّتْ نَظَرَ فِي عَمَلِهِ وَإِذَا لَمْ يَصِحْ لَمْ يَنْظُرْ فِي بَقِيَّةِ عَمَلِهِ». (حر عاملی، ۱۴۰۰: ۳۴)

۲-۳: نماز، عامل دوری از گناه

قرآن کریم با صراحت تمام، یکی از بنیادی‌ترین آثار تربیتی و اجتماعی نماز را بازدارندگی از زشتی‌ها معرفی کرده و می‌فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ». این آیه شریفه بیانگر آن است که حقیقت نماز، نوری الهی است که در جان مصلی تجلی می‌یابد و به صورت خودکار، حائلی میان او و گناهان ایجاد می‌کند. فحشا به معنای کارهای زشت آشکار و منکر به معنای هرگونه عمل ناپسند عقلی و شرعی است؛ نماز با زنده نگه داشتن یاد خدا در دل، وجدان اخلاقی انسان را بیدار کرده و به او نیرویی می‌بخشد که در برابر وسوسه‌های شیطانی ایستادگی کند. در واقع، نمازگزار واقعی که روزانه چندین بار در برابر پروردگار قدوس می‌ایستد و به پاکی او شهادت می‌دهد، نمی‌تواند به راحتی آلوده به پلیدی‌ها شود؛ چرا که تضاد میان ایستادن در محضر خدا و فرو رفتن در منجلاب گناه، نوعی بازدارندگی درونی ایجاد می‌کند. هرچه حضور قلب و کیفیت این عبادت بالاتر باشد، قدرت بازدارندگی آن نیز قوی‌تر خواهد بود و به تدریج میل به معصیت را در کانون وجودی انسان به خاموشی می‌کشاند. (مکارم شیرازی، ۱۴۰۰: ۲۸۴) در روایات نبوی، تأثیر پاک‌کنندگی نماز و دوری از گناه به زیبایی به یک چشمه آب گوارا تشبیه شده است که انسان روزانه خود را در آن شستشو می‌دهد. پیامبر اکرم (ص) در تمثیلی دقیق فرموده‌اند که اگر بر در خانه یکی از شما نهری جاری باشد و هر روز پنج بار خود را در آن بشویید، آیا دیگر چرک و آلودگی بر بدن باقی می‌ماند؟ نمازهای پنج‌گانه نیز همین اثر را بر روح دارند و با هر بار اقامه، زنگار گناهان پیشین را می‌زدایند و اجازه نمی‌دهند پلیدی منکرات بر جان انسان بنشینند. این طهارت روحی، ریشه در یاد مداوم پروردگار دارد



که بزرگترین مانع برای سقوط در پرتگاه‌های اخلاقی است. کسی که به نماز عشق می‌ورزد، در واقع به ریسمان الهی چنگ زده است و این اتصال مستمر، او را از غرق شدن در گرداب شهوات و رذایل اخلاقی مصون می‌دارد. بنابراین، نماز نه تنها گناهان گذشته را تطهیر می‌کند، بلکه به عنوان یک واکنش‌ناشی معنوی، فرد را در برابر آلودگی‌های آینده نیز بیمه می‌نماید. (مجلسی، ۱۴۰۰: ۲۳۶) تحلیل روان‌شناختی و تربیتی این فریضه نشان می‌دهد که نماز واقعی، با تقویت قوه خودکنترلی و وجدان اخلاقی، گرایش به گناه را در جوانان و سایر اقشار جامعه به شدت کاهش می‌دهد. نمازگزار با تکرار اذکار توحیدی و تمرکز بر عظمت الهی، به یک «انضباط درونی» دست می‌یابد که او را در مواجهه با موقعیت‌های گناه‌آلود، به سوی پاکدامنی هدایت می‌کند. این عبادت جامع، به انسان عزت‌نفس بخشیده و او را از ذلت پیروی از هوای نفس می‌رهاند؛ زیرا کسی که لذت راز و نیاز با معبود را چشیده باشد، دیگر به لذت‌های گذرا و متعفن گناه تمایلی نخواهد داشت. به همین سبب است که در مکتب تربیتی اسلام، برای درمان انحرافات اخلاقی و رفتاری، بیش از هر چیز بر احیای روح نماز تأکید شده است. نماز به مثابه یک نهی‌کننده درونی عمل می‌کند که حتی در غیاب نظارت‌های بیرونی، انسان را از ارتکاب به بدی‌ها باز می‌دارد و مسیر حرکت او را به سوی کمال و فضیلت هموار می‌سازد. (مطهری، ۱۴۰۰: ۹۴)

۲-۴: نماز، معیار قبولی اعمال

در آموزه‌های دینی، نماز به عنوان معیار اصلی و زیربنایی برای سنجش ارزش سایر اعمال شناخته می‌شود. روایات معتبر بیانگر آن است که نماز، پیش‌نیاز پذیرش هر اقدام نیکوی دیگر در پیشگاه الهی است؛ به گونه‌ای که اگر این فریضه مهم به دلیل عدم خلوص یا فقدان شرایط صحیح، مورد قبول درگاه حق قرار نگیرد، سایر اعمال فرد نیز با خطر مردود شدن مواجه خواهند بود. این جایگاه رفیع نشان می‌دهد که نماز نه تنها یک عبادت مستقل، بلکه به مثابه روحی است که در کالبد سایر فرایض جریان می‌یابد. اگر نماز دچار نقص باشد، گویی اساس و ریشه دین‌داری فرد متزلزل شده است و نمی‌توان انتظار داشت که عبادات فرعی، بدون استواری این ستون اصلی، به کمال و قبولی برسند. (حر عاملی، ۱۴۰۰: ۳۲) تحلیل این جایگاه نشان می‌دهد که نماز، جهت‌دهنده و روح‌بخش تمام فعالیت‌های مؤمنانه است و غایت تمامی تلاش‌های بنده را به سمت خداوند متعال تنظیم می‌کند. وقتی نماز در جایگاه واقعی خود اقامه شود، انگیزه تمامی اعمال دیگر انسان را به خلوص می‌آراید و باعث می‌شود که هر حرکت نیکو، در مدار توحید و برای تقرب الهی صورت پذیرد. در حقیقت، نماز همچون فیلتری است که نیت و عمل را پالایش می‌کند و هرگونه شائبه غیر الهی را از آن می‌زداید. به همین دلیل، رد شدن نماز به معنای عدم استقرار کامل جهت‌گیری بنده به سوی پروردگار است که باعث می‌شود سایر اعمال او نیز از حقیقت عبودیت نهی گشته و به اهداف متعالی نرسند. بنابراین، اهتمام به کیفیت نماز، شرط ضروری برای اثربخشی تمامی حسنات محسوب می‌شود. (مجلسی، ۱۴۰۰: ۴۲۷)

۲-۵: نماز، مایه آرامش و معنویت

نماز به عنوان تجلی‌گاه پیوند میان خالق و مخلوق، برترین منبع آرامش روانی و اطمینان قلبی است که انسان را در برابر طوفان‌های سهمگین زندگی مجهز می‌کند. وقتی بنده با ذکر و دعا، در برابر عظمت پروردگار قرار می‌گیرد، فشارهای دنیوی و استرس‌های مادی در پرتو قدرت لایزال الهی رنگ می‌بازند و احساس تکیه‌گاه داشتن، جایگزین تنهایی‌های وجودی می‌شود. نماز برای روح انسان، همچون پناهگاهی امن است که در آن، تمامی ترس‌ها و ناامیدی‌ها به امید و سکینه تبدیل می‌گردند. تکرار این ارتباط آسمانی، پیوندی ناگسستنی ایجاد می‌کند که انسان را از پوچی می‌رهاند و معنایی عمیق به لحظات زندگی می‌بخشد. این آرامش، ثمره یاد خداوند است که بنا بر نص صریح قرآن، دل‌ها تنها با آن به اطمینان می‌رسند و روح مضطرب در پرتو آن، به سکونی ابدی دست می‌یابد. (طباطبایی، ۱۴۰۰: ۳۸۸) برای نسل جوان که در گذرگاه حساس بلوغ و شکل‌گیری هویت، با امواج اضطراب و بحران‌های وجودی دست‌وپنچ نرم می‌کنند، نماز دارویی شفابخش و عامل ثبات‌بخش است. این فریضه، فرصتی است تا جوان از درگیری‌های ذهنی و فشارهای اجتماعی فاصله گرفته و در فضایی سرشار از معنا، با خدای خویش خلوت کند؛

خلوتی که هویت اصیل او را در سایه‌سار بندگی حق تثبیت می‌نماید. نماز نه تنها به اضطراب‌های ناشی از عدم قطعیت‌های دوران جوانی پایان می‌دهد، بلکه با تزریق امید و هدفمندی، مسیر تعالی را پیش روی او می‌گشاید. جوان نمازگزار، خود را متعلق به قدرتی می‌داند که او را دوست دارد و می‌بیند؛ این درک عمیق، به او اعتماد به نفس می‌دهد تا در برابر هجمه‌های فرهنگی و بحران‌های فکری، استوار بماند. نماز در این دوران، نه یک تکلیف سنگین، بلکه سنگر معنوی برای صیانت از سلامت روان و هویت ایمانی اوست. (جوادی آملی، ۱۴۰۰: ۱۶۲)

۳: آثار تربیتی و فردی نماز برای جوان

یکی از مهم‌ترین آثار تربیتی نماز در دوران جوانی، تقویت «خودکنترلی» و «ایجاد نظم» در زندگی است. جوانی، فصل غلیان احساسات و مواجهه با هیجانات تند است و نماز با تحمیل چارچوبی زمان‌مند و دقیق در پنج نوبت شبانه‌روز، به شخصیت پرشور جوان نظم می‌بخشد. این التزام عملی، قدرت اراده را افزایش داده و تمرینی مستمر برای تسلط بر خواسته‌های نفسانی است؛ چرا که جوان نمازگزار می‌آموزد در زمان‌های معین، تمام دغدغه‌های مادی را کنار بگذارد و تنها بر معبود تمرکز کند. این نوعی تربیت خویشتن است که از جوان، انسانی منضبط و هدفمند می‌سازد. کسی که می‌تواند در اوج مشغولیت‌های ذهنی، خود را برای ادای نماز مهیا کند، به راحتی قادر است بر سایر لغزش‌های اخلاقی و رفتاری خود نیز مسلط شود و به جای پیروی از امیال لحظه‌ای، بر اساس اصول و ارزش‌های متعالی رفتار نماید. (مطهری، ۱۴۰۰: ۲۳۰) نماز در ساحت دیگر، نقش مؤثری در «تقویت هویت دینی» و «رشد اخلاقی» جوانان ایفا می‌کند. در دنیایی که ارزش‌ها و هنجارها در حال تغییرند، نماز به عنوان نماد بارز هویت اسلامی، لنگرگاه محکمی برای جوان فراهم می‌آورد تا در میان هجمه‌های فکری، دچار گسست فرهنگی نشود. نماز با یادآوری مداوم کرامت انسانی در محضر خالق، وجدان اخلاقی جوان را صیقل داده و او را به سمت فضیلت‌هایی همچون صداقت، امانت‌داری و حیا سوق می‌دهد. این رشد اخلاقی نه از طریق نصیحت‌های خشک، بلکه از راه تجربه درونی رابطه با خداوند حاصل می‌شود. وقتی جوان در نماز خود را مخاطب مستقیم پروردگار می‌بیند، احساس مسئولیت اخلاقی در او شکوفا شده و سعی می‌کند رفتار خود را با معیارهای الهی هماهنگ سازد. در واقع، نماز کارخانه‌ی انسان‌سازی است که صفات عالیه را در وجود جوان نهادینه کرده و او را به انسانی متخلق به اخلاق الهی بدل می‌کند. (جوادی آملی، ۱۴۰۰: ۴۵) دستیابی به «آرامش روانی» از ثمرات حیاتی نماز برای جوانان است که با بحران‌های هویتی و اضطراب‌های ناشی از دنیای مدرن روبه‌رو هستند. نماز با ایجاد ارتباطی معنوی، به جوان احساس امنیت و تکیه‌گاه می‌دهد؛ احساسی که در کاهش تنش‌های درونی و افسردگی‌های دوران گذار، نقشی بی‌بدیل دارد. این عبادت، دریچه‌ای است به سوی آرامش مطلق، که ذهن مضطرب را از تکاپوهای بیهوده آزاد کرده و به سکون حاصل از یاد خدا می‌رساند. برای جوانی که پیوسته در پی یافتن جایگاه خود در جهان است، نماز راهی برای پیوند با منبع آرامش هستی است که از استرس تصمیم‌گیری‌ها و نگرانی‌های آینده می‌کاهد. این آرامش، ثمره‌ی اعتقاد به خدایی است که مهربان است، می‌بیند و پاسخ می‌دهد. بنابراین، نماز نه تنها سلامت روان جوان را تضمین می‌کند، بلکه با بخشیدن امید و نشاط معنوی، او را برای مواجهه با چالش‌های زندگی توانمند و مقاوم می‌سازد. (مکارم شیرازی، ۱۴۰۰: ۲۳۸)

۴: شیوه‌های دعوت جوانان به نماز

دعوت جوانان به نماز نیازمند رویکردی هوشمندانه، محبت‌آمیز و مبتنی بر اقناع عقلانی است تا از اجبار دوری شده و شوق درونی ایجاد گردد. برای اثرگذاری بیشتر، باید به نیازهای فکری و عاطفی این نسل توجه ویژه‌ای داشت. در ذیل به برخی از این شیوه‌های تربیتی و اثربخش پرداخته شده است.

۴-۱: تبیین فلسفه و آثار نماز

دین‌داری در دوران جوانی باید از سطح تکلیف‌محوری محض فراتر رفته و به ساحت معرفت‌محوری و درک فلسفه عبادت ارتقا یابد. تبیین فلسفه نماز برای جوانان، به معنای بازگشت به ریشه‌های فطری این فریضه است تا او دریابد که نماز نه یک بار اضافه بر دوش، بلکه نیاز ذاتی و گامی



برای کمال است. نماز در نگاهی ژرف، راهبردی برای پیوند میان جزءِ ناچیز هستی (انسان) با کلِ بی‌کران (خداوند) است؛ حقیقتی که به زندگی جوان جهت‌گیری الهی می‌دهد و آن را از پوچی و روزمرگی نجات می‌بخشد. با درک این فلسفه، جوان درمی‌یابد که نماز، «معراج» است و وسیله‌ای برای پرواز از قفسِ خودبینی و ورود به دایره‌ی بی‌نهایتِ لطف الهی. وقتی فلسفه نماز به عنوان تجلی پرستش آگاهانه مطرح شود، جوان نه به عنوان یک اجبار قانونی، بلکه به عنوان یک نیاز عاطفی و هویت‌بخش به آن می‌نگرد که روح تشنه‌ی او را در بحران‌های هویتی سیراب کرده و به وی کرامت می‌بخشد. (جوادی آملی، ۱۴۰۰: ۴۵)

علاوه بر تبیین فلسفه، برجسته‌سازی آثار فردی و روان‌شناختی نماز، نقشی حیاتی در جذب حداکثری جوانان دارد. نماز، فراتر از آداب ظاهری، ابزاری کارآمد برای مدیریت هیجانات و ایجاد «آرامش پایدار» در وجود ناآرام جوان است. در هیاهوی دنیای مدرن که اضطراب و ناامیدی، سلامت روان جوان را تهدید می‌کند، نماز با حضور قلب، همچون لنگرگاهی مستحکم، روح را از تلاطم‌های فکری و تنش‌های روزانه رها می‌سازد. همچنین، تکرار پنج‌گانه نماز در شبانه‌روز، بهترین تمرین برای «نظم‌پذیری» و مدیریت زمان است که به جوان می‌آموزد چگونه در میان اشتغالات دنیوی، پیوندی استوار با هدف غایی خود داشته باشد. این انضباط معنوی، منجر به خودسازی و تقویت اراده در مواجهه با چالش‌ها شده و به جوان مؤمن، «اعتمادبه‌نفس» برآمده از اتکا به قدرت لایزال الهی را هدیه می‌دهد؛ چرا که نمازگزار واقعی، خود را در پناه امن خدا می‌بیند و از غیر او هراسی به دل راه نمی‌دهد. (مطهری، ۱۴۰۰: ۸۲)

ترویج نماز باید بر محوریت «امیدآفرینی» و تقویت «ارتباط عاشقانه» با پروردگار استوار باشد. بسیاری از جوانان به دلیل تصورات نادرست، نماز را عاملی برای محدودیت می‌پندارند، در حالی که نماز، پنجره‌ای رو به آزادی از اسارت نفس و تعلقات مادی است. نماز یعنی گفتگو با کسی که بیش از هر کس به جوان نزدیک است و نیازهای او را می‌شناسد. این ارتباط مستقیم، «امید به آینده» و نشاط معنوی را در روح جوان زنده نگه می‌دارد و از سقوط او در دره‌های یأس و بدبینی جلوگیری می‌کند. وقتی برای جوان تبیین شود که نماز راهی برای اصلاح خطاها، پاک‌سازی روح از زنگارهای گناه و دستیابی به والاترین درجات فضیلت است، نگاه او از یک تکلیف سنگین به یک «فرصت طلایی» برای رشد تغییر خواهد یافت. بنابراین، معرفی نماز به مثابه نوری در قلب و عاملی برای شکوفایی استعدادهای متعالی انسانی، مؤثرترین شیوه در پیوند زدن نسل جوان با شعائر الهی است. (مکارم شیرازی، ۱۴۰۰: ۲۸۸)

۴-۲: الگوسازی رفتاری و عملی خانواده و مربیان

تأثیرگذارترین شیوه در تربیت دینی جوانان، الگوسازی رفتاری والدین و مربیان است؛ چرا که جوانان بیش از آنکه تحت تأثیر پندها و نصایح زبانی قرار گیرند، مبهوت کنش‌های عملی و سبک زندگی اطرافیان خویش هستند. هنگامی که جوان مشاهده می‌کند والدینش با اشتیاق و در اول وقت به اقامه نماز می‌پردازند، پیام «اهمیت نماز» بدون نیاز به هیچ کلامی به عمق جان او نفوذ می‌کند. در واقع، همسویی رفتار با گفتار در محیط خانواده، اعتماد جوان به آموزه‌های دینی را تحکیم می‌بخشد و نماز را به عنوان یک «ارزش زیسته» در ذهن او جای می‌دهد. تضاد میان گفتار و کردار، بزرگترین آفت انتقال ارزش‌هاست و مشاهده‌ی سهل‌انگاری در نماز والدین، می‌تواند منجر به ایجاد تردید و گریز ناخودآگاه جوان از این فریضه شود؛ بنابراین، رفتار مؤمنانه و آراسته به نماز، نخستین و قدرتمندترین دعوت‌نامه‌ها برای ورود جوان به ساحت بندگی است. (سبحانی، ۱۴۰۰: ۱۲۰)

مربیان در محیط‌های آموزشی نیز نقش مرجعیت رفتاری را ایفا می‌کنند که می‌تواند همانند خانواده، در جذب جوانان به نماز تعیین‌کننده باشد. معلمی که خود در فضای مدرسه و دانشگاه، نماد ادب، اخلاق و تعهد به نماز است، بدون شک بیش از هر کتاب درسی بر روح مخاطب خود اثر می‌گذارد. جوان در جستجوی الگوهای انسانی است که فضایل اخلاقی را با ایمان قلبی پیوند داده باشند؛ لذا وقتی نماز در رفتار عملی مربیان، به عنوان عاملی برای وقار و آرامش نمود پیدا می‌کند، جوان با انگیزه و رغبت بیشتری به این سمت گرایش می‌یابد. محیط مدرسه باید بازتاب عملی نماز باشد، به‌گونه‌ای که جوان در کنار یادگیری علم، شاهد تجلی نور نماز در وجود استاد باشد. این الگوسازی زنده و پویا، بستر امنیت روانی و معنوی را فراهم کرده و بذریع شوق بندگی را در دل جوان می‌کارد. (مطهری، ۱۴۰۰: ۱۵۸)



۴-۳: تأکید بر بیان محبت‌آمیز و غیرتحمیلی

رویکرد محبت‌آمیز و عاطفی در دعوت جوانان به نماز، یکی از ارکان اصلی موفقیت در تربیت دینی است. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که برخورد‌های آمرانه و تحمیلی به دلیل تعارض با نیاز جوان به استقلال‌طلبی، نه تنها موجب پایداری در نماز نمی‌شود، بلکه عامل گریز دینی نیز خواهد بود. در مقابل، شیوه‌های مبتنی بر «مهرورزی» و «تکریم شخصیت»، به جوان اجازه می‌دهد تا نماز را به عنوان پناهگاهی برای آرامش و نه تکلیفی تحمیلی تجربه کند. در واقع، پیوند میان عاطفه و معنویت، زمینه‌ساز پذیرش درونی ارزش‌ها می‌گردد. بر این اساس، والدین و مربیانی که با سعه‌صدر و گفت‌وگوی اقناعی، فضای صمیمانه‌ای برای عبادت ایجاد می‌کنند، بهتر می‌توانند جوان را به سمت تثبیت هیت معنوی سوق دهند و از پیامدهای منفی اجبار که منجر به دین‌گریزی می‌شود، پیشگیری نمایند. (سیدان و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۲) محبت‌ورزی، نوعی «پذیرش بی‌قید و شرط» است که فضای امنی را برای گرایش جوانان به ارزش‌های دینی فراهم می‌آورد. پژوهش‌ها تأکید دارند که وقتی جوان در بستر خانواده یا محیط آموزشی، محبت و احترام را دریافت می‌کند، میل درونی‌اش برای همسویی با ارزش‌های مربیان افزایش می‌یابد. در چنین فضایی، نماز به جای آنکه ابزاری برای کنترل یا محدودیت تلقی شود، به مثابه تجربه‌ای زیسته و نشاط‌بخش معرفی می‌گردد که در کاهش اضطراب‌های دوران جوانی نقش دارد. تقلیل فشارهای بیرونی و جایگزینی آن با حمایت‌های عاطفی، مانع از شکل‌گیری مقاومت در برابر تکالیف شرعی شده و به جای ایجاد تظاهر دینی، ریشه‌های ایمان را در جان جوان تقویت می‌کند. بنابراین، مدیریت عاطفی در دعوت به نماز، نقشی تعیین‌کننده در نهادینه‌سازی این فریضه ایفا کرده و زمینه‌ساز ثبات اخلاقی جوان در میان تلاطم‌های فکری و فرهنگی خواهد بود. (قایمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۸) راهبرد «جذب حداکثری» مستلزم پرهیز از رفتارهای دفع‌کننده و تمرکز بر ایجاد پیوند عاطفی میان جوان و مبدأ هستی است. مطالعات نشان می‌دهند که رویکردهای خشونت‌آمیز و سرزنش‌گر، خودپنداره‌ی جوان را تخریب کرده و باعث بی‌زاری از عبادت می‌شود، در حالی که رویکرد ترغیبی، عزت‌نفس او را تقویت کرده و میل به ارتباط با پروردگار را در وجودش بیدار می‌سازد. مربیانی که با شناخت دقیق اقتضائات روانی جوان، بر زیبایی‌ها و آثار کمال‌بخش نماز تأکید می‌کنند، موفق‌تر از کسانی عمل می‌کنند که تنها بر جنبه‌های الزامی آن پافشاری دارند. در این فرآیند، نقش زبان محبت و همراهی همدلانه، کلیدی است تا نماز در ذهن جوان به عنوان تجربه‌ای رهایی‌بخش از بحران‌های مدرن تثبیت شود. نهایتاً، این فضای آکنده از احترام و محبت، ضامن بقای شعائر دینی و مانع اصلی در برابر روند دین‌گریزی در میان نسل جوان است. (علی زاده، ۱۴۰۰: ۱۱۲)

۴-۴: ایجاد فضای معنوی، بانشاط و امن در محیط‌های جمعی

محیط‌های جمعی مانند مساجد، مدارس و دانشگاه‌ها به عنوان کانون‌های اصلی تعاملات اجتماعی جوانان، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری گرایش‌های دینی آنان دارند. برای اثربخشی در دعوت به نماز، این مکان‌ها باید از فضاهای خشک و بی‌روح، به کانون‌هایی معنوی، بانشاط و امن تبدیل شوند که در آن جوان، علاوه بر عبادت، نیازهای عاطفی و اجتماعی خود را نیز بازتعریف کند. ایجاد معماری جذاب، نظافت دقیق، بهره‌گیری از تجهیزات مدرن و وجود امامان جماعت یا مربیان خوش‌سلیقه و آگاه به مسائل نسل نو، زمینه‌ساز احساس تعلق اجتماعی در جوانان است. وقتی فضای عبادتگاه برای جوان نه یک مکان محدودکننده، بلکه فضایی آرامش‌بخش و مأمن روحی او باشد، انگیزه درونی برای حضور مداوم و اقامه نماز در او تقویت شده و پیوند عمیق‌تری با نهادهای دینی برقرار می‌سازد. (موسوی، ۱۴۰۰: ۱۵۵) علاوه بر جنبه‌های فیزیکی، احساس «ارزشمندی» و «مشارکت» در مدیریت این محیط‌ها، مهم‌ترین عامل برای جذب جوانان است. جوانان زمانی به حضور در فضای نمازخانه یا مسجد علاقه‌مند می‌شوند که خود را بازیگر اصلی این محیط بدانند، نه صرفاً مخاطبانی منفعل. واگذاری مسئولیت‌های فرهنگی، هنری و اجرایی به جوانان در محیط‌هایی مانند مدارس و دانشگاه‌ها، حس اعتمادبه‌نفس آنان را ارتقا داده و نماز را به عنوان پرچم هویت جمعی آنان تثبیت می‌کند. ایجاد فضای معنوی، مستلزم رعایت حریم شخصیت جوان و شنیدن صدای آنان در طراحی فعالیت‌های مسجدمحور است. در چنین فضایی، نماز به



عنوان نقطه اشتراک و همبستگی گروهی، نه تنها مانعی برای فعالیت‌های اجتماعی جوان نیست، بلکه خود به عاملی برای تقویت روحیه جمع‌گرایی و رشد اخلاقی آنان در بستر زندگی اجتماعی تبدیل می‌گردد. (رضایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۲)

۴-۵: استفاده از ظرفیت‌های هنر، رسانه و تکنولوژی

در عصر حاضر که رسانه‌ها و فناوری‌های نوین، بخش جدایی‌ناپذیر زندگی جوانان را تشکیل می‌دهند، بهره‌گیری خلاقانه از این ابزارها برای معرفی زیبایی‌های نماز، امری ضروری و اثربخش است. استفاده از قالب‌های هنری مانند انیمیشن، فیلم کوتاه، نماهنگ، و همچنین تولید محتوای جذاب در شبکه‌های اجتماعی، پتانسیل بالایی برای جذب نسل جوان به نماز دارد. این رویکرد، با زبان روز جوانان سخن می‌گوید و مفاهیم معنوی نماز را به شکلی ملموس، دلنشین و دور از کلیشه‌های رایج، به تصویر می‌کشد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که محتوای بصری خلاقانه، در انتقال پیام‌های دینی به مخاطبان جوان، بسیار موفق‌تر از روش‌های سنتی عمل می‌کند و می‌تواند حس کنجکاوی، علاقه‌مندی و در نهایت، رغبت درونی به اقامه نماز را در آنان بیدار سازد. (خالقی و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۷) فناوری‌های دیجیتال، فرصت‌های بی‌بدیلی را برای تبیین عمیق‌تر فلسفه و آثار نماز فراهم می‌آورند. نرم‌افزارهای تعاملی، اپلیکیشن‌های کاربردی آموزشی نماز، و وبسایت‌های تخصصی که با استفاده از تکنیک‌های گرافیکی و محتوای چندرسانه‌ای، مفاهیم نماز را شرح می‌دهند، می‌توانند ابزارهای قدرتمندی در دست مربیان و والدین باشند. این تکنولوژی‌ها، علاوه بر تسهیل یادگیری احکام، به جوانان کمک می‌کنند تا با ابعاد عرفانی و روانی نماز نیز انس بگیرند و عمق ارتباط خود با پروردگار را بیافرینند. تحقیقات تأکید دارند که تلفیق هنر، رسانه و تکنولوژی با پیام‌های معنوی، نه تنها به جاذبه‌ی دعوت به نماز می‌افزاید، بلکه پایه‌های معرفتی جوانان را نیز تقویت کرده و آنان را به سوی نماز آگاهانه و عاشقانه سوق می‌دهد، چرا که درک زیبایی‌های پنهان نماز، خود بهترین انگیزه برای التزام عملی است. (احمدی و رضایی، ۱۴۰۰: ۱۱۲)

۵: نتیجه‌گیری

نماز در منظومه فکری و اعتقادی اسلام، نه صرفاً یک آیین عبادی در عرض سایر تکالیف، بلکه «ستون دین» و محور اصلی حیات معنوی انسان است. بر اساس روایات معصومان (ع)، جایگاه ممتاز این فریضه به عنوان نخستین پرسش در پیشگاه عدل الهی و معیاری برای سنجش قبولی سایر اعمال، نشان‌دهنده آن است که نماز، روح جاری در کالبد دین‌داری است که پیوندی ناگسستنی میان خالق و مخلوق برقرار می‌سازد. آثار فردی، اخلاقی و روانی نماز، از جمله تزکیه نفس، بازدارندگی از گناه و دستیابی به آرامش پایدار، آن را به قدرتمندترین ابزار برای سلامت روحی و هویت‌بخشی به مؤمن تبدیل کرده است. با این حال، انتقال این حقیقت متعالی به نسل جوان، که در دوره حساس شکل‌گیری هویت و مواجهه با چالش‌های فکری نوین قرار دارند، نیازمند بازنگری در روش‌های تربیتی است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که برای جذب جوانان، نمی‌توان صرفاً به توصیه‌های کلی بسنده کرد؛ بلکه باید از رویکردهای تحمیلی فاصله گرفت و به جای آن، بر «الگوسازی رفتاری» در خانواده و مربیان، «بیان محبت‌آمیز»، «پاسخ‌گویی مستدل به شبهات» و «استفاده از ظرفیت‌های هنری و رسانه‌ای» تأکید ورزید. دعوت موفق به نماز، جریانی است که در آن «احترام به شخصیت جوان» و «شناخت نیازهای واقعی او» در اولویت قرار می‌گیرد. ترویج این فرهنگ نیازمند رویکردی تلفیقی است که میان مبانی اصیل روایی و مقتضیات دنیای امروز پیوند برقرار کند. اگر فضای معنوی جامعه و مدرسه به گونه‌ای بازطراحی شود که نماز در آن به عنوان یک تجربه لذت‌بخش و مایه تعالی انسانی معرفی گردد، نه یک بار سنگین تکلیفی، می‌توان امیدوار بود که نسل جوان با رغبتی درونی و معرفتی عمیق، به اقامه این فریضه اهتمام ورزیده و ستون‌های دین‌داری خود را در طوفان‌های فرهنگی عصر جدید، استوار نگه دارد.



منابع

- احمدی، محمد؛ رضایی، سعید (۱۳۹۹)، «کاربرد فناوری اطلاعات در ترویج معارف دینی»، مجله پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۳۰
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، «اسرار الصلاة»، انتشارات اسراء، چاپ دهم، قم
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ ق)، «وسائل الشیعه»، مؤسسه آل‌البیت (ع)، دوره ۳۰ جلدی، جلد ۴، چاپ دوم، قم
- خالقی، مریم؛ نظری، حسن (۱۳۹۸)، «نقش رسانه‌های نوین در ترویج فرهنگ نماز در میان جوانان»، فصلنامه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، شماره ۲۲
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، «لغت‌نامه دهخدا»، انتشارات دانشگاه تهران، دوره ۱۵ جلدی، جلد ۱۴، چاپ اول از دوره جدید، تهران
- رضایی، علی؛ احمدی، نسreen (۱۳۹۹)، «مشارکت اجتماعی جوانان در مساجد و تأثیر آن بر دین‌داری»، نشریه جامعه‌شناسی دین، شماره ۴۱
- سبحانی، جعفر، اصول عقاید (۱۳۹۰)، «انتشارات مؤسسه امام صادق (ع)»، دوره تک‌جلدی، چاپ چهارم، قم
- سیدان، مریم؛ محمدی، علی (۱۳۹۸)، «آسیب‌شناسی شیوه‌های تربیتی در گرایش جوانان به نماز»، فصلنامه مطالعات تربیتی و دینی، شماره ۲۵
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۲)، «تفسیر المیزان»، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، جلد ۱۶، چاپ هجدهم، قم
- علی‌زاده، محمد، (۱۳۹۹) «الگوهای نوین دعوت جوانان به نماز»، فصلنامه علمی پژوهشی تربیت اسلامی، شماره ۳۴
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۷ ق)، «المحجّة البیضاء فی تهذیب الإحیاء»، دفتر انتشارات اسلامی، جلد ۱، چاپ چهارم، قم
- قائمی، حسن؛ حسینی، زهرا (۱۴۰۰)، «نقش مؤلفه‌های عاطفی در تربیت دینی جوانان»، مجله روان‌شناسی و دین، شماره ۱۲
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، «الکافی»، دارالکتب الإسلامیة، دوره ۸ جلدی، جلد ۳، چاپ چهارم، تهران
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)، «بحار الأنوار لدرر أخبار الأئمة الأطهار»، مؤسسه الوفاء، دوره ۱۱۰ جلدی، جلد ۸۲، چاپ دوم، بیروت
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، «تعلیم و تربیت در اسلام»، انتشارات صدرا، چاپ شصت و پنجم، تهران
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۱)، «گفتارهای معنوی»، انتشارات صدرا، چاپ بیست و هشتم، تهران
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۱)، «تفسیر نمونه»، دارالکتب الإسلامیة، دوره ۲۷ جلدی، جلد ۱۶، چاپ سی و دوم، تهران
- موسوی، سید محسن (۱۳۹۷)، «ارتقای کیفیت محیط‌های مذهبی در جذب نسل جوان»، فصلنامه مدیریت فرهنگی، شماره ۱۸
- نوری، حسین (۱۴۰۸ ق)، «مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل»، مؤسسه آل‌البیت (ع)، دوره ۱۸ جلدی، جلد ۳، چاپ اول، قم